

ذکر زبان دری در اشعار و ترکیبات قرن‌ها و سال‌ها قبل از ادعای تحمیل زبان دری در قانون اساسی افغانستان در سال ۱۹۶۴

احمد فواد ارسلان

در افغانستان معاصر، ادعایی توسط گروه‌های ذی‌نفع و قدرت‌های منطقه‌ای مطرح می‌شود که قوم غالب پشتون، استفاده از زبان دری را به عنوان یکی از دو زبان اصلی افغانستان پس از قانون اساسی ۱۹۶۴ اجباری کرده است. این ادعا به ستراتیژی‌ای اشاره دارد که هدفش قطع روابط فرهنگی، زبانی و تاریخی بین افغان‌ها و دنیای فارسی‌زبان، از جمله ایران و تاجیکستان است. بسیاری از محققان و ناظران معتقدند که تعیین زبان دری به عنوان یکی از زبان‌های اصلی افغانستان در سال ۱۹۶۴، پاسخی از سوی قدرت‌های حاکم افغانستان بود که دهه‌ها توسط مردم افغانستان مورد انتقاد قرار گرفت، بخصوص پس از تغییر نام کشور فارس به ایران در سال ۱۹۳۵ در اوج پان‌ایرانیسم تحت رژیم پهلوی که دولت افغانستان تحت اداره صدراعظم هاشم خان هیچ اعتراضی نکرد و فارس‌ها ایران یا آریانای بزرگ را تصاحب کرد و بلافاصله با اتمام قدرت و منظم به تحریف تاریخ آغاز کرد.. این تغییر نام به رژیم ایرانی این امکان را داد که ایران را به عنوان وارث تاریخ، فرهنگ، ادبیات و زبان آریانا باستان، که شامل کل منطقه بالخصوص افغانستان، و تاجیکستان و آسیای مرکزی می‌شود، معرفی کند.

در جریان تجاوز شوروی خاصاً حاکمیت پرچم که توسط شوروی ها و مشاورین آنها با ادبیات تهیه شده برای حزب توده ایران تربیه و سوق و اداره میشدند لغات و اصطلاحات و حتی طرز نوشتن فارسی ایرانی در افغانستان به شدت رایج شد و در پهلوی آن طرز فکر و تفاسیر جدید از تاریخ افغانستان منجمله موضوع زبان دری در افغانستان وسیعاً رایج شد.

جنگال بر سر نامگذاری زبان دری به عنوان یکی از زبان‌های اصلی افغانستان در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شدت گرفت، زمانی که گروه‌های سیاسی در جنگ‌های داخلی افغانستان بر اساس خطوط قومی و زبانی تقسیم شدند. این احزاب جنگ‌طلب و گروه‌ها از زبان و وابستگی‌های قبیله‌ای برای منافع سیاسی استفاده کردند، در حالی که نیروهای خارجی که به دنبال تقسیم و تضعیف افغانستان بودند، همچنان به تشدید مسئله پرداختند. وضعیت به قدری پیچیده شد که برخی ادعای نادرست کردند که زبان دری در منطقه ریشه تاریخی ندارد.

در دوران جمهوری فاسد بیست ساله قصداً بنا شده بر جنگ سالاران و تقسیمات قومی و زبانی فاسد ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ و دست باز ایرانی ها در افغانستان ترویج لغات نوشتن و حتی تحلیل و تفسیر تاریخ از دیدگاه ایران بزرگ و زبان اصلی فارسی هویت می فرهنگی و زبانی افغانستان به شدت شکننده شد و دوران قدرت طلبی خالص و فاسد اشرف غنی با بازی های بی معنی قدرت طلبی که به نادرستی خودش را ناینده پشتون معرفی کرد و با بازی های تعویض این جنگ سالار با آن جنگ سالار و استفاده از این قوم بر ضد این بدتر شد.

تحقیقات نشان می‌دهد که دروغ‌ها بیشتر و سریع‌تر از حقیقت پخش می‌شوند. در مورد زبان دری، اطلاعات غلط و ادعاهای نادرست باعث شده است که بخش قابل توجهی از عموم مردم، بخصوص نسل‌های جوان‌تر، باور کنند که زبان دری شاید تنها به عنوان یک زبان اصلی در افغانستان با تصویب قانون اساسی ۱۹۶۴ معاصر باشد. اگر به وسایل ارتباط جمعی فیسبوک و انستاگرام و تیک تاک که معمولا مورد استفاده جوانان و اشخاص که زیاد علاقه به مطالعه و تحقیق ندارند مراجعه شود به صد ها نمونه برخورد میشود که ادعا میکند دری توسط پشتون های حاکم بر ملت افغانستان بعد از ۱۹۶۴ تحمیل شده است و این ادعا به حدی زیاد است که تعداد زیادی از جوانان و اشخاص مغرض و اشخاص نا آگاه به این عقیده هستند که این زبان دری اختراع مقامات حاکم پشتون است و ریشه تاریخی ندارد.

با اینکه ریشه‌ها، تاریخ، تکامل و گسترش زبان دری، همراه با بحث‌هایی در مورد ریشه‌ها و نام آن که به چند هزار سال پیش برمی‌گردد، توسط استادان ملی و قلم به دست در صد ها مقاله و مثال توضیح داده شده است، جدول زیر مجموعه‌ای نمونه از اشاره‌ها به زبان دری توسط شاعران و نویسندگان در قرن‌ها، دهه‌ها و سال‌های پیش از ۱۹۶۴ را ارائه می‌دهد. این جدول به عنوان یادآوری برای کسانی که باور دارند زبان دری قبل از تصویب قانون اساسی ۱۹۶۴ در افغانستان و منطقه وجود نداشت، تهیه شده است. جدول شامل نام‌ها و جزئیات شاعران، نمونه های از اشعار یا نثر دری است. این مثال ها به منزله مجموعه کامل نیستند، بلکه هدف این است که خوانندگان بتوانند به اشاره‌ها دسترسی داشته باشند و تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام دهند.

	اسم نویسنده یا شاعر	زمان نویسنده یا شاعر و	نظم یا نثر که دری در آن ذکر شده
--	------------------------	------------------------------	---------------------------------

	محل سکونت	
1	فردوسی 940 – 1019/102 5 میلادی طوس ایران	... کجا بیور از پهلوانی شمار بود بر زبان دری ده هزار ز اسپان تازی به زرین ستام ... بفرمود تا پارسی و دری نیشتنند و کوتاه شد داوری ...
2	سلیمی جهرونی قرن 9 میلادی جهرون ایران	سخن پرداز کین در دری سفت ز شیرین و ز خسرو این چنین گفت که خسرو از پدر چون روی برتافت در آن ره صحبت شاپور دریافت ... ایا بفعل تو نیکو شده معانی خیر ایا بلفظ تو شیرین شده زبان دری
3	عنصری 11-10 میلادی – بلخ افغانستان	... من از بهر آن افسر سروری سخن راند خواهم به لفظ دری
4	عیوقی قرن 10 میلادی – یزد ایران	... خاصه آن بنده که ماننده من بنده بود مدح گوینده و داننده الفاظ دری سال تا سال همه مدحت او نظم کنم ... دل بدان یافتی از من که نکو دانی خواند مدحت خواجه آزاده به الفاظ دری دری که لایق نظم است و قابل مدحت نمی توان بکف آورد ز اختلاف بحور ... ای دل تو قدر خویش ندانی همی مگر اندر عرب در عربی گویی او گشاد واو باز کرد پارسیان را در دری جایی که او حدیث کند تو نظاره کن ...
5	فرخی سیستانی 1000- 1040 میلادی سیستان افغانستان	.. من آنم که در پای خوگان نریزم مر این قیمتی در لفظ دری را
6	ناصر خسرو 1004- میلادی 108 8 قبادیان تاجکستان	

7	مسعود سعد سلمان	1046- 1121 میلادی هندوستان	... مر تو را سروری چو در عدن دری و در نظم و نثر تو را کس نداند درین زمانه ثمن از دل و جان رهی خاص توام ...
8	رشیدالدین وطاوت	1088/9 – 1182/3 میلادی بلخ افغانستان	... بحرست خاطر من و درست لفظ من در نظم و نثر این دو زبان تازی و دری
9	سوزنی سمرقندی	1166 فوت میلادی سمرقند ازبکستان	شود مداح را لفظ دری در بنظم مدح تو در طبع نظام ... چرا پسند ندارم ز لعب زلف و رخت غزل سرایی بر هر دوان بلفظ دری صفات روی تو آسان بود مرا گفتن گاهی بشعر بدیع و گهی بلفظ دری
10	انوری	1126– 1189 میلادی ایبورد ایران	چون زبان نطق بگشاید به الفاظ دری در ارادت اول و در فعل گویی آخرست ...
11	حمیدالدین بلخی	1180 فوت میلادی بلخ افغانستان	س نظم تازی بگذاشت و نوای دری برداشت و این ابیات را بر زبان راند و این ترجمه در بیان آورد زهی عالی درختی کز بلندی و اقداح می وصال دوش او خوردست فبحر العلم طامح طاهی و قبضه القوس فی یدالرامی نخست بنظم تازی و انشای حجازی این عذار عذرا را بیارایم و باز بنظم دری نقاب از چهره زیبا بگشایم و در این
12	فلکی شیوانی	1107– 1155 میلادی شیروان آذربایجان	گوی سخن برد به شعر دری چشم عنا نیز در او ننگرد ...
13	ادیب صابر	1135 فوت میلادی ترمز ازبکستان	... رهی نمائد زنظم سخن که نسپر دم دری نمائد زلفظ دری که نگشادم به شعر من همه اهل زمانه دل شادند ...

14	خاقانی	1120 – 1199 میلادی آذربایجان	... بر بپ اعمی صفت هشت زبانش در دهان از سر زخمه ترجمان کرده به تازی و دری راوی ز درهای دری دلال و دلها مشتری خاقانی اینک جوهری درهای بیضا ریخته در دری را از قلم در رشته جان کرده ضم پس باز بگشاده ز هم بر شاه والا ریخته ... بر رقه نظم دری قایم منم در شاعری با من بقایم عنصری نرد مجارا ریخته بی زبان لغت آرات به تازی و دری گوش پر زیبق و چشم آمده گر باد پدر گردون براین دو تحفه غیبی ثنا کند دیوان من به سمع تو در دری دهد ... چون به خاقانی رسیدم عندلیبش یافتم گوید استاد است اندر طرز تازی و دری نظم و نثرش دیدم و مدح و نسیبش یافتم ... در دری و کوب دری نثار توست از دهر خاطر فضلا را مخاطره است ز آدمی این سحر و معجز کس ندید از دو دیوانم به تازی و دری
15	نظامی گنجوی	1141– 1209 میلادی آذربایجان	نظامی که نظم دری کار اوست دری نظم کردن سزاوار اوست ... که پراکنده بود گرد جهان زان سخنها که تازیست و دری ... طلی های زر بر سر نقره بست خردنامه ها را ز لفظ دری
16	ظهیر سمرقندی	فوت 1220 میلادی سمرقند ازبکستان	برگرفت و خاطر در کار آورد و این کتاب را به عبارت دری پرداخت اما عبارت عظیم نازل بود و از ترین و تحلی عاری و عاطل و با آنکه در وی مقال را فسحت و مجال را

1 7	اثیر اخیستکی	1126-8 – 1211/12 میلادی فرغانه ازبکستان	... صاحباً گر وقفه یی یابم ز چرخ تیز تک وقف این درگه کنم نظم دری طبع جری اگر بلفظ دری آمدی ز چرخ نبی همیشه تاسوی علوی است شعله را آهنگ ...
1 8	مجیدالدیت همگر	1210 – 1287 میلادی یزد ایران	ای به چوگان نطق و نظم دری گوی دانش ربوده از اغیار کردند بحث در سخن منشیان نظم تا خود که سفت به درر دری دری
1 9	سعدی شیرازی	1210- 1292 میلادی شیراز ایران	... هزار بلبل دستان سرای عاشق را بباید از تو سخن گفتن دری آموخت ... چون در دو رسته دهانت نظم سخن دری ندیدم
2 0	خواجوی کرمانی	1290 – 1349- میلادی کرمان ایران	... مخ سخن بگوی که وقت سخنوریست دری ز نظم بر طبق عرض نه کنون در حضرتی که برج درش درج گوهریست و سوی تو بچشم ترحم نظر کند
2 1	سلمان ساوچی	فوت 1376 میلادی ساوا عراق	... در آمد ز راه سخن گستری سخن راند از نظم در دری که از در معنی چه پرورده ای می کند بر در گل شعرسرایی بلبل بلبلا چند درایی ز سر شعر دری
2 2	Hafez	1325– 1390 میلادی شیراز ایران	... چو عندلیب فصاحت فروشد ای حافظ تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن
2 3	جامی	1325– 1390 میلادی هرات افغانستان	... ز نام وی این زمزمه ساز کرد به لفظ دری هر چه بر عقل تافت به یونانی الفاظ ازو نقل یافت ...

			... ببخشود بر فارسی گوهران به نظم دری در نظم آوران که گر بودی آن هم به لفظ دری نماندی مجال سخن گستری ...
2 4	ملا محمد بن سلیمان فضولی بغدادی	1483– 1556 میلادی عراق	دری که لایق نظم است و قابل مدحت نمی توان بکف آورد ز اختلاف بحور ...
2 5	محتشم کاشانی	1500– 1588 میلادی کاشان ایران	... افسوس که آن که خوب تر گفت وز جمله دری لطیف تر سفت ... می تواند داد در یک بزم باهم انتظام اختر بیضا تجلی گوهر دری شعاع
2 6	حزین لاهیجی	1692 – 1766 میلادی اصفهان ایران	هزار و یکصد و پنجاه و پنج هجری بود که گشت نسخه ی دیوان چارمین سپری قصیده و غزل و قطعه و رباعی آن دو صد فزون ز هزار است و سی چو بر شمری هنر به ماشطه خامه ام کند نازش که لیلی عرب آراست در لباس دری
2 7	آذر بیگدلی	1722– 1781 میلادی اصفهان ایران	... پس از عهد استاد فن رودکی که در دری سفت از کودکی بنوبت سخن گستران از عدم مگو هاتف او هاتف غیب بود دری سفت کاویزه ی گوش شد بنظم و نثر تازی و دری گاه سخن سنجی کنی اعجاز اگر دعوی منم ز آغاز من آمن .
2 8	نور علیشاه	1747- 1798 میلادی اصفهان ایران	... بغیر نور علی همچو حافظ شیراز که لطف طبع و سخن گفتن دری داند
2 9	سحاب اصفهانی	فوت 1807 میلادی اصفهان ایران	... چنانکه ختم رسالت به سید مرسل دو مصحفند همانا به فارسی و دری یکی به او شده نازل یکی به این منزل ...

30	نشاط اصفهانی	8 - 1759 - 1829 میلادی اصفهان ایران	... بر اثر مسبحان مرغ سحر نشیدخوان نی ز حجاز و اسفهان یا که به تازی و دری
31	ملا احمد نراقی	1771- 1829 میلادی نراق ایران	... هر زبان را نطق او گویا شود هندی و تازی و ترکی و دری زابلی و کابلی و بربری ...
32	ابولقاسم قنم مقام	1779 – 1835 میلادی تهران ایران	آنی تو که چون نظم دری خوانی و تازی نظم از سخن عمیق و شماخ گریزد ...
33	یغما جندوقی	1781- 1859 میلادی جندوق ایران	بر کرده غراب چند از یاهه پری بال و پری از کاغذ تازی و دری غافل که پریدن نتوان زین پر و بال ... جان و تنم ای دوست فدای تن و جانم افسانه درد پای و روز آشفته سامان مرا بنده زاده بر فرهنگ دری دست گشاد و داستان پرداخت بی رنج افزایی و سخن سرایی این رنجور خسته و نیم جان شکسته خواهی دید و دانست به کدام روز گرفتارم و تا کجا به زیبا نگار شیوا گفتار که از در آزمون بر فرهنگ دری نگار شگر روردش دیده را سرمه سایی کرد و سامان سینه و جان را چون خورشید روشنایی بخشود بی سازش و خوشگویی و نوازش و انگاشت این نگارش نا زیبا و گزارش ناشیوا را جز آنکه پارسی دشوار است و شبرنگ خامه را در سنگلاخ فرهنگ دری پای پویه سست و ناستوار پوشش های دل پسند و سخن های هوش پذیر دارم باور نداری بخواه تا بیویم و بپرس تا بگویم مانا به فرمان پیمان که در پیشگاه والابست و به سوگند استوار افکند نیاز نامه این زبان هیچ ندان را که پارسی از پارسا نداند و فرهنگ دری از آهنگ درنا شناسد بر مان هنجار که اندیشه گماشته بود و پیشه گذاشته پاسخ نگاری کرد و نوید گذشت
34	آشفته شیرازی	1785— 1871 میلادی شیراز ایران	... سراپا گر خطا باشد به او جای عطا باشد که اندر مدحت از نظم دری آراست دیوان ها پارسی جامه بخوانید غزل های دری که برید آمد و آورد زری فتح هری ...

3 5	رضاقلی خان هدایت	1800 – 1871 میلادی تهران ایران	اسمش خواجه صاین الدین علی ترکیه از فضلا و حکمای روزگار تألیفات فرموده من جمله شرح فصوص و کتاب مفاحص و شرح قصیده این فارض است با سلطان شاهرخ معاصر و در
3 6	Qaani	1808 – 1854 میلادی شیراز ایران	... که آشکار شود این لطیفه پنهان که در دری نظم دری قاآنی چنان بهی که ادای بهای او نتوان ... هر چند کیسه و جیب از زر تهی بودم دارم ز نظم دری آماده گنج و گهر گفتا که گنج و گهر گر باشدت بفروس کمان مشکین توزم کمند غالیه رنگ اگر به نظم دری خاطرش نماید میل نوی مدحت او سرکنم بدین آهنگ آبیست اندر رهگذر از مشک سقا ریخته اکنون منم در شاعری قایم مقام عنصری از نقش الفاظ دری بیرنگ معنا ریخته تا هست ازین اشعار تر در صفحه گیتی اثر ز قصر دشت نهری آرد امروز به سوی دشت چون دریای ساری به الفاظ دری از بهر آن نهر ببایدگفت نظی چون دراری ...
3 7	صفائی جندوقی	1857 میلادی جندوق ایران	... صفایی رازت از مردم نهان داشت وگر نظم سخن های دری کرد برید اول زیان خامه و آنگاه ...
3 8	عمان سامانی	1842- 1904 میلادی سامان ایران	طوطی فکرتم ز دراری طرازها مقدار بشکند به سخن گفتن دری

39	افسار کرمانی	1880- 1921 میلادی کرمان ایران	... تا هست در زمان اثر از در نظم و نثر تا هست در جهان سخن از تازی و دری یار تو و عدوی تو شیوا زبان و کنگ ...
40	ادیب الملک فراهانی	1860- 1917- میلادی ایران	... نوز ناخوانده خروس سحری ذکر دادار بتازی و دری ... شعری نگاشت پاسخ شعر من آن نگار مانند رشته گهر از گفته دری
41	محمد تقی بهار	1886- 1951- میلادی مشهد ایران	... لقمانا دار ز من یادگار این سخن تازه و نظم دری ... خدمت خلق را میان بندم دفتری سازم از کلام دری که نگردد به قرن ها سپری جمله در وزن و روی هم مشربند در عبارات دری هم مکتبند گر جدا در مطلبند ... شعر دری گشت ز من نامجوی یافت ز نو شاعر و شعر آبروی پهلوی و آذری از یاد رفت رفته بد از بین کلام دری گر نگشودند در شاعری اهل سخن را صله پرداختند دفتر از اشعار دری ساختند بیا مطرب آن چنگ را سازکن به قول دری نغمه آغاز کن

			... تو واقفی که در این قرن چون بهار نداشت کسی به لفظ دری قوت بیان ادب چه مایه خون جگرخورد تا که گشت امروز به دهر شهره علی رغم دشمنان ادب به نظم و نثر دری فالق و به تازی چیر به پهلوی و اوستاست پهلوان ادب در میان شاعران شرق سرتاسر نبود درسخن های دری چابک تر و بهتر ز من بر زبان لفظ دری جای زبان مادری نی عجب گر خازن فردوس فردوسی بود کو بود بی شبهه رب النوع گفتار دری عیب بر شهنامه و گوینده اش هرگز نکرد
4 2	محمد اقبال	1877 – 1938 میلادی هندوستان	... خوش بیا ای نکته سنج خاوری ای که می زبید ترا حرف دری محرم رازیم با ما راز گوی ...
4 3	صفائی اصفهانی	1890- 1943 میلادی اصفهان ایران	.. صفا را غوص دل از گنج دولت کرد مستغنی مر این نظم دری لؤلؤی شهوارست پنداری
4 4	محیط قمی	فوت 1938 میلادی قم ایران	... ز فیض صادق آل محمد است اگر محیط طرز سخن گفتن دری داند بهای گوهر والای نغز گفتارم ...
4 5	رهی معیری	1909 – 1968 میلادی تهران ایران	مسعود که یافت عز و جاه از لاهور تابید چو نور صبحگاه از لاهور سالار سخنوران به تازی و دری است خواه از همدان باشد و خواه از لاهور

